

توجه نکردن به بهداشت روان بازماندگان اثرات مخرب‌تری از زلزله دارد

پس‌لرزه‌های عاطفی یک فاجعه

توفان زلزله بعد از چند روز فروکش می‌کند، اما توفان درد و رنج قربانیانش تمام شدنی نیست؛ بعد از آوار آجر، سنگ و خاک حالا داغ رفتگان است ...



توفان زلزله بعد از چند روز فروکش می‌کند، اما توفان درد و رنج قربانیانش تمام شدنی نیست؛ بعد از آوار آجر، سنگ و خاک حالا داغ رفتگان است که روی و روح و جان بازماندگان آوار می‌شود. زلزله مثل چند روز پیش نمی‌گذرد؛ اما پس‌لرزه‌ها در ذهن و روح بازماندگان از این حادثه غمبار ادامه دارد. هر چند به اعتقاد بسیاری از کارشناسان افراد آسیب‌پذیر در این حادثه تا مدتی در شوک هستند و نشانه‌های آسیب‌پذیری دیدگی روانی آنها مدتی دیگر نمایان خواهد شد، اما اعزام تیم‌های روان‌شناسی به منطقه و زلزله‌زده غرب کشور می‌تواند تا حد بسیاری از تبعات این آسیب‌های روانی بکاهد. آن هم در روزگاری که در همان ساعات‌های ابتدایی، غم زلزله‌زده‌گان عکس و فیلم می‌شد و در دنیای مجازی دست به دست؛ اتفاقی که نه تنها از اضطراب و شوک بسیاری از افراد آسیب‌پذیر کم نمی‌کند بلکه بر نگرانی از دست دادن و تنها ماندنش می‌افزاید این درحالی است که این روزها بسیار پیش می‌آید که اعتبار اخبار به دست فرصت‌طلبانی قربانی می‌شود که شایعه‌پراکنی و تسویه‌حساب‌های سیاسی را جایگزین همدردی با قربانیان زمین‌لرزه می‌کنند.

دیروز رئیس سازمان بهزیستی کرمانشاه از اعزام یکصد روان‌شناس به مناطق آسیب‌پذیر خبر داد، اما شرایط در مناطق آن‌قدر بحرانی است که به توجه بیشتری نیاز است.

فرید براتی‌سده، رئیس مرکز توسعه پیشگیری بهزیستی کشور که در ازگله کانون اصلی زلزله حضور دارد، معتقد است این پیامدهای روان‌شناختی در برابر چنین حوادثی طبیعی است. او به جام‌جم می‌گوید: واکنش‌های افراد به وقایع اینچنینی واکنش‌های طبیعی است و ما نباید آنها را غیرعادی جلوه بدهیم و مرتبط با سلامت روان کنیم در حقیقت باید اجازه بدهیم مردم بعد از مدتی که در شوک چنین حادثه‌ای هستند، خودشان کمی با آن روبه‌رو شوند.

بحث مداخله روانی معمولاً مدت کوتاهی بعد از زلزله موثر است. براتی‌سده می‌گوید این خدمات باید به صورت خدمات اولیه روان‌شناختی صورت بگیرد، چرا که مردمی که در شوک هستند ممکن است به خودشان آسیب برسانند.

مرحله بعدی چنین مداخلاتی به باور این مسئول بهزیستی ابراز همدردی است. هر چند در این میان موج همدردی صورت گرفته از سوی بسیاری از آسیب‌پذیران دیده‌ها بی‌فایده تلقی شده است. این را خبرنگار جام‌جم که در منطقه حضور دارد روایت می‌کند؛ این‌ها که بسیاری از افراد آسیب‌پذیر دیده با صراحت اعلام کرده‌اند که نه همدردی نیاز دارند و نه روان‌شناس! بلکه آنها محتاج چادر هستند.

البته تبعات روانی این چنین رخدادی بعد از گذشت حدود یک ماه نمایان می‌شود. هر چند عواملی وجود دارد که روی این تبعات اثر می‌گذارد.

براتی‌سده می‌گوید: یکی از این عوامل خدمات‌رسانی بموقع در این بحران است. یا تامین امنیت برای مردم آسیب‌پذیر دیده که می‌تواند از تبعات روانی آینده بکاهد.

نیاز بلند مدت به مشاوره

اعزام روان‌شناسان به مناطق زلزله‌زده قطعاً پیامدهای خوبی به همراه خواهد داشت، اما چیزی که باید بدانیم این است که مداخلات روان‌شناسی فقط زمانی اثربخش است که مداوم و بلندمدت باشد. چرا که روان‌شناس یا روان‌پزشک نمی‌تواند در عرض چند دقیقه یا چند ساعت مشکل روحی و روانی افراد را بررسی و رفع کند، بلکه باید با حضور چند روزه و حتی چند ماهه و با مشاوره‌های بلندمدت به کمک

زلزله؛زدگان بشتابد.

از سوی دیگر، موضوع روان‌شناسی بحران، مطرح است زیرا مواجهه با افراد آسیب‌زده از لحاظ روانی در حادثه؛ای همچون زلزله با دیگران تفاوت؛های بسیاری دارد.

به باور کارشناسان، شوکی که از این حوادث به افراد وارد می‌شود، کارایی مغز آنها را کاهش می‌دهد و کیفیت زندگی را پایین می‌آورد که فقط روان‌شناسانی که دوره؛هایی در زمینه شرایط بحرانی گذرانده؛اند، می‌دانند چطور باید با افراد برخورد و به آنها کمک کنند و با یک یا دو جلسه نمی‌توان آسیبی را که به این افراد وارد شده، درمان کرد.

نکته؛ای که فرید براتی؛سده هم با آن موافق است و تداوم در مشاوره؛ها را در کاهش تبعات آسیب؛های بعدی مهم و موثر می‌داند.

بهبود شرایط روحی و روانی زلزله؛زدگان در گرو مسائل زیادی است که حضور روان‌شناسان یکی از آنهاست، در این بین نباید فراموش کرد که حتی اطلاع؛رسانی غیرحرفه؛ای نیز می‌تواند به زخم؛های آنها نمک بپاشد و شرایطی ایجاد کند آنهایی که زنده مانده؛اند نیز برای سال؛ها قربانی زلزله باقی بمانند.

بحران در اطلاع؛رسانی

در این میان اما فقط آلام مردم کرمانشاه نبود که به چشم می‌آمد. اخبار منتشر شده در رابطه با این حادثه و نحوه اطلاع؛رسانی از آن به نوعی بود که در برخی موارد فقط به درد این افراد اضافه می‌کرد. در ساعت؛های ابتدایی، شایعات بسیاری دست به دست می‌شد و پس از آن موجی از تسویه؛حساب؛های سیاسی منتشر شد. عباس اسدی، استاد ارتباطات، معتقد است رسانه؛های ایران هیچ وقت در رابطه با روزنامه؛نگاری بحران خوب عمل نمی‌کرده؛اند. او به جام؛جم می‌گوید: زلزله غرب کشور نشان داد روزنامه؛نگاری ایران همچنان در بحران به سر می‌برد. اتفاقی که بیش از آن؛که نشان؛دهنده منطقه؛های بحرانی زلزله باشد نشان؛دهنده بحرانی جدی در روزنامه؛نگاری ایران است.

او بی؛توجهی رسانه؛های ایران به ابعاد دیگر این رخداد را نشانه؛ای از کمبودهای بسیار در روزنامه؛نگاری ایران می‌داند. به باور او رسانه؛های ایران در مواقع بحرانی نمی‌توانند رسانه؛ای معتبر برای مردم باشند و برای آنها خدمات خبری خوبی ارائه دهند.

شلیک به امید بازماندگان

آفت؛های اطلاع؛رسانی در زلزله کرمانشاه فقط شامل شایعات فراوان در ساعت؛های اولیه حادثه نبود، چراکه بسیاری از اخباری که حتی از رسانه؛های رسمی منتشر می‌شد، چندان با نوع خدمات رسانی همخوانی نداشت.

به همین دلیل می‌توان گفت اطلاع؛رسانی نامناسب، امید بازماندگان را نیز نشانه رفته است، زیرا این باور را در آنها ایجاد می‌کند که برنامه؛های نجات آنها نمایشی بیش نیست.

آن؛طور که از مناطق آسیب‌زده خبر می‌رسد، مساله؛ای که در منطقه از سوی بسیاری از افراد مورد سوال قرار می‌گیرد مواردی از این دست است که مثلاً چرا گفته می‌شود 20 هزار چادر برای آنها فرستاده شده، اما هنوز بسیاری از آنها بدون چادر مانده؛اند.

اسدی در این باره معتقد است، مفهوم شهروند - خبرنگار در ایران شهید شده است، چرا که رسانه؛های ایرانی شاهدان عینی را با مفهوم روزنامه؛نگاری شهروندی اشتباه گرفته؛اند.

او می‌گوید: رسانه؛ها باید اعتبار خود را از طریق روزنامه نگاران نشان به دست بیاورند، اما نه تنها چنین

نمی‌کنند بلکه برخی با تحلیل عکس‌های شاهدان عینی، تحلیل می‌نویسند و باعث خدشه‌هایی به باور آسیب‌دیدگان می‌شوند.

او به موج‌سواری بسیاری از افراد سوذجوی رسانه‌ای هم اشاره می‌کند و به جام‌جم می‌گوید: جامعه ایرانی شفاهی است و افکار ما افکاری متزلزل. همین است که هر حرفی توسط هر کسی خیلی زود پذیرفته می‌شود. در این میان بسیاری هستند که از این موج استفاده می‌کنند. استفاده از این شرایط بحرانی برای مصارف سیاسی امری بسیار مذموم است، ولی ما باید سعی کنیم تبعات اینچینی را در رسانه‌ها کمتر کنیم.

از تکان‌های شدید زمین در مناطق زلزله‌زده شاید کاسته شده باشد، اما زلزله‌ای که زندگی بازماندگان را نشانه رفته در حال جان گرفتن است به همین دلیل مسئولان باید برای بهداشت روح و روان بازماندگان سنگ تمام بگذارند و با مدیریت مناسب در اطلاع‌رسانی شرایطی ایجاد کنند که دست‌کم در این برهه حساس از رسانه به عنوان وسیله‌ای برای فتح مقاصد سیاسی استفاده نشود.

میثم اسماعیلی

جامعه